



## درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۷ بهمن ۱۳۹۰  
مصادف با: ۱۳ ربیع الاول ۱۴۳۳  
جلسه: ۱۹

موضوع کلی: اعجاز قرآن  
موضوع جزئی: معنای اعجاز  
سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### اعجاز قرآن:

از جمله مباحث مهم مقدماتی قرآن مسئله اعجاز قرآن است، این مطلب که قرآن معجزه جاویدان پیامبر اسلام است مکرراً مطرح شده و جای بحث و گفتگو ندارد.

اعجاز از ریشه عجز به معنای ناتوان کردن است، ناتوان کردن دیگران به دو نحو ممکن است:

گاهی اعجاز و ناتوان کردن دیگران به سلب توانایی‌های دیگران است، فرض کنید که توانایی کسی به مال یا قدرت یا مقام است در این صورت اعجاز این شخص به این است که ابزار توانمندی او یعنی مال، مقام و قدرت او از او گرفته شود.

اما گاهی اعجاز و ناتوان کردن دیگران به این نیست که توانایی دیگران سلب شود بلکه به این صورت است که کاری انجام می‌شود که دور از دسترس دیگران و خارج از قدرت آنها است به گونه‌ای که نمی‌توانند این کار را انجام دهند در این صورت هم می‌گویند این عمل موجب ناتوانی دیگران شد بدون اینکه چیزی از دیگران سلب شود؛ یعنی شخص کاری کرده که هیچ کس نمی‌تواند مثل آن را انجام دهد؛ مثلاً فرض کنید که کسی چیزی را اختراع کند که دیگران از عهده انجام آن کار برنیایند که در این صورت شخص کاری را انجام داده که دیگران از انجام مثل آن عاجزند.

وقتی ما می‌گوییم قرآن معجزه است اعجاز قرآن از این جهت نیست که از دیگران سلب توانایی کند یعنی آنچه که موجب توانایی انسان‌ها است را از آنها سلب کند بلکه اعجاز قرآن از این جهت است که کتابی است که از جهات مختلف اعم از فصاحت، بلاغت، معارف و غیره به گونه‌ای است که از دسترس دیگران دور است و دیگران نمی‌توانند کتابی مثل قرآن بیاورند لذا گفته می‌شود قرآن معجزه است.

ما فعلاً نمی‌خواهیم وارد بحث از حقیقت معجزه شویم و این موضوع باید در بحث‌های کلامی به طور مفصل مورد بحث واقع شود اما اصل اینکه قرآن معجزه است و اعجاز دارد؛ یعنی کاری فوق توان بشر در آن انجام گرفته به گونه‌ای که انسان‌ها از آوردن مثل چنین اثری ناتوان می‌باشند محل تردید نیست.

## آیات تحدی:

در خود قرآن لفظی که بر اعجاز قرآن دلالت کند به صراحت ذکر نشده ولی تحدی در قرآن صورت گرفته، تحدی؛ یعنی مبارز طلبیدن و اساس اعجاز قرآن هم بر تحدی استوار است، تحدی؛ یعنی اینکه قرآن از انسان‌ها می‌خواهد که اگر می‌توانید مثل قرآن را بیاورید و این همان معنای اعجاز است؛ یعنی می‌خواهد بگوید شما از آوردن مثل قرآن ناتوان هستید.

## انواع تحدی در قرآن

در آیات متعددی از قرآن به مسئله تحدی اشاره شده که ما در ذیل به آنها اشاره می‌کنیم:

۱- تحدی گاهی به کل قرآن است؛ مثلاً در آیه شریفه: «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً»<sup>۱</sup> خداوند متعال می‌فرماید: بگو اگر جن و انس هم جمع شوند تا کتابی مشابه این قرآن بیاورند نخواهند توانست حتی اگر بعضی از آنها از بعض دیگر حمایت کنند؛ یعنی می‌خواهد بگوید قرآن خصوصیات و امتیازاتی دارد که جن و انس نمی‌توانند مثل آن را بیاورند، در این آیه شریفه به کل قرآن تحدی شده است.

۲- گاهی تحدی به ۱۰ سوره قرآن است؛ مثلاً در آیه شریفه: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَاذْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ، فَإِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُّسْلِمُونَ»<sup>۲</sup> خداوند متعال می‌فرماید: اینکه می‌گویند پیامبر (ص) افتراء می‌بندند به آنها بگو اگر راست می‌گویید شما هم اگر می‌توانید مثل ده سوره از قبیل همین افتراء بسته شده‌های به خدا را بیاورید و از هر کسی که می‌خواهید کمک بگیرید و اگر قبول نکردید پس بدانید قرآن بر اساس علم الهی نازل شده و خدایی جز خدای یکتا نیست و با این وجود آیا باز هم تسلیم نمی‌شوید و ایمان نمی‌آورید، در این آیه شریفه به ده سوره تحدی شده است.

۳- گاهی تحدی به یک سوره از قرآن است؛ مثلاً در آیه شریفه: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُوْرَةٍ مِّثْلِهِ وَاذْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»<sup>۳</sup> خداوند متعال می‌فرماید: اینکه می‌گویند پیامبر (ص) افتراء می‌بندد به آنها بگو اگر راست می‌گویید شما هم اگر می‌توانید یک سوره مثل اینها را بیاورید و از هر کسی که می‌خواهید کمک بگیرید، در این آیه شریفه به آوردن یک سوره تحدی شده است.

## اشکال:

از نظر ترتیبی باید اول تحدی به کل قرآن باشد و بعد تحدی به ۱۰ سوره و بعد هم تحدی به یک سوره؛ یعنی اگر می‌توانید مثل کل قرآن را بیاورید و اگر نمی‌توانید ده سوره مثل سور قرآن بیاورید و اگر باز هم نمی‌توانید حداقل یک سوره مثل سوره‌های قرآن بیاورید. ولی ما در بعضی از روایات داریم که آیه تحدی به ۱۰ سوره متأخر از آیه تحدی به یک سوره است؛ یعنی سوره یونس مقدم بر سوره هود است لذا تحدی به ۱۰ سوره مؤخر از تحدی به یک سوره شده است.

۱. اِسْرَاءُ/۸۸.

۲. هُوْدُ/۱۳ و ۱۴.

۳. یُوْنُسُ/۳۸.

## پاسخ:

پاسخ‌های زیادی از این اشکال داده شده که ما فعلاً قصد نداریم به همه آنها اشاره کنیم اما اجمالاً می‌گوییم که بعضی گفته‌اند آنچه گفته شد بنابر بعضی روایات است ولی در روایتی از ابن عباس آمده که سوره یونس تماماً مدنی است آن گاه نتیجه این است که آیه تحدی به یک سوره مؤخر از آیه تحدی به ۱۰ سوره است یا مثلاً بعضی گفته‌اند که اگر گفته شود سوره یونس که تحدی به یک سوره در آن آمده مکی است و این دلیل بر این است که تحدی به یک سوره مقدم بر تحدی به ۱۰ سوره است در پاسخ می‌گوییم مکی بودن یک سوره ضرورتاً به این معنی نیست که همه آیات آن سوره در مکه نازل شده باشد بلکه ممکن است با اینکه سوره مکی است بعضی از آیات آن در مدینه نازل شده باشد پس می‌توان گفت با اینکه سوره یونس مکی است ولی آیه ۳۸ این سوره که تحدی به یک سوره در آن آمده در مدینه نازل شده و این خود دلیل بر مؤخر بودن تحدی به یک سوره از تحدی به ۱۰ سوره است. البته اشکالاتی به این جواب‌ها شده و جواب‌های دیگری هم مطرح شده که ضرورتی به ذکر آنها نیست.

پس اصل مسئله تحدی در قرآن آمده است و ظاهراً هم ترتیب تحدی به این نحو بوده که ابتدا تحدی به کل قرآن شده و سپس تحدی به ۱۰ سوره و در آخر هم تحدی به یک سوره شده است ولی عمده این است که وقتی تحدی می‌شود اعجاز قرآن ثابت می‌شود و اعجاز قرآن هم به معنی ناتوان کردن دیگران از آوردن مثل کل قرآن یا ده سوره از قرآن یا یک سوره از قرآن است به این معنی که قرآن از جهات مختلف آن قدر بلند مرتبه است که کسی نمی‌تواند مثل کل قرآن یا ده سوره از قرآن یا حتی یک سوره از قرآن را بیاورد، البته بعضی مثل مسیلمه کذاب که بعد از رحلت پیامبر(ص) ادعای نبوت کرد تلاش کردند که یک سوره مثل قرآن بیاورند که این شخص سوره‌ای با این مضمون آورد که: الفیل و ما الفیل و ما أدراک ما الفیل له ذنبٌ و بیل و خرطومٌ طویل، ولی مشخص است که این هیچ تناسبی با سیاق قرآن ندارد و مثل آن قلمداد نمی‌شود.

«والحمد لله رب العالمین»